

## همه برای یکی، یکی برای همه

بررسی لیندمن میوزیک بوک کومبو

نوشته: بابک چهارباشیان



نگاه استراتژیک و فرایند محور شاید بزرگترین دستاورد مهندسی صنایع برای من بوده است. تشخیص موقعیت فعلی، تبیین هدف و تعریف مسیر رسیدن به آن، چهارچوبی است که تصمیم برای حل هر چالشی را در بهینه ترین حالت ممکن قرار می دهد.

بازتولید هر چه دقیق تر موسیقی در منزل برای من چالشی بود که هیچگاه هدف آن برایم مشخص نبود. بارها و بارها، مطالب پر طمطراقی در خصوص ست های های اند صوتی خواننده بودم اما دقیقاً مانند شخصی شده بودم که تنها وصف خوراک های هنرمندانه فرانسوی را در ویدیوهای یوتیوب دیده است.

اولین برخورد من با مجموعه آوین آوا، تشتت اهداف ته نشین شده در ذهن من را بر هم زده و یک به یک آنها را حذف کرد. هدفی شفاف، ساده و عمیق در ذهنم نقش بست؛  
«به دنبال یک ارکستر موسیقی زنده در استیج خانگی خود باش»



اولین قدم، درک صحیح از موقعیت اشتباهی بود که در آن زیست نادرست موسیقایی داشتم. صداهایی مبهم که به وسیله تغییر تنظیماتی همچون بیس و تریبل، سعی در اصلاح آن داشتم؛ تلاشی مذبحخانه که پس از مدتی تنها دستاوردش، فاصله از دنیای موسیقی بود.

اصلی ترین دغدغه من با ست های نادرست موسیقی، خستگی سیستم شنوایی در مواجهه شما با آثاری حتی کم فراز و نشیب و کم ساز است. این موضوع تجربه دلپذیر شنیدن یک آلبوم موسیقی به صورت یکپارچه و حرفه ای را بسیار سخت می کند.

پس خواسته یا ناخواسته بدون یک ترکیب صحیح بازتولید صدا، به احتمال زیاد از زمره شنوندگان حرفه ای خارج خواهید شد، موضوعی که برای شخص من نیز پیش آمد.



هدف برایم مشخص بود. طعم یک غذای همه چیز تمام، زیر دندانم رفته بود و دیگر نه اسم رستوران برایم مهم است، نه اسم غذا و نه سرآشپز. تنها و تنها طعم غذا برایم اهمیت داشت.

چاره ای جز مهاجرت نداشتم، اما مهاجرت نه تنها هزینه، بلکه مهمتر از آن دانش و راهنما می خواست. مجوز این مهاجرت یک پاسپورت بود به نام اسپیکر منگر سایدکیک. قطعاً منگر پایان این سفر نبود اما مجوز دسترسی به دنیای های اند برایم صادر شد.

حالا منگر پر اشتها، نه تنها تغذیه ای مناسب بلکه سوره های در شأن خود می خواست. اما برای من با تمام محدودیت ها از جمله بسته بودن درهای واردات، هزینه های بالا، فضای محدود آپارتمانی و پیچیدگی های سازگاری دستگاه های مختلف از جمله پری امپ و آمپلی فایر و غیره، پیشبرد فرایند را غیر ممکن می ساخت.

کم کم با دستگاه های all in one آشنا شدم و در قدم اول، بلوساند پاورنود. تجربه ای لازم و اما نه کافی. و بازهم بن بست... پست اینستاگرامی پیچ لیندمن در خصوص عرضه یک دستگاه به نام کومبو بازهم کورسوی امید را برایم روشن ساخت. اما دسترسی به آن با وضعیت فعلی عملاً غیر ممکن به نظر می آمد.

و سر انجام به کمک مجموعه آوین آوا و آقای امیدوار، اولین لیندمن میوزیک بوک کومبو در ایران به دستم رسید.



منطق کلاسیک به هیچ وجه با کیفیت در چنین ابعادی کنار نمی آید، اما من طعم های اند را چشیده بودم و تجهیزات و نام ها برایم رنگ باخته بودند. هر آنچه نیاز داشتم در یک کتاب پر رمز و راز جمع شده بود. یک پری امپ با ورودی های مختلف از جمله دو ورودی دیجیتال، درایو USB برای هارد و یک درایو اپتیکال سی دی (مانند اپل DVD درایو) و جذاب ترین قسمت، یک فونو اسیج که مثل در باغ رستگاری به دنیای آنالوگ حرفه ای است.

در قسمت آمپلیفایر، ۱۶۰ وات که وات به وات آن با بخشندگی و کیفیت تمام در اختیار سایدکیک قرار می گرفت.

صد ساعت اولیه برای آب بندی را با مرور تمام خاطرات موسیقی ام گذراندم. استریم رادیو های با کیفیت flac سرعت طی این دوره را برایم شیرین تر کرد.



و حال پس از ۲۰۰ ساعت ...

قدر تمام تلاش های که تیم لیندمن برای این یک دستگاه که برای همه مناسب است را حالا میدانم. اشتراک QOBUZ و ست کردن آن روی کومبو، به حدی شناوری شما را در دنیای موسیقی لذت بخش می کند که به نظرم نیازی جدی برای تمام اودیوفایل هاست.

سی دی تست منگر آخرین و اصلی ترین چالش برای لیندمن بود. در اولین تجربه اصوات انسانی را به حدی به پوست خود نزدیک احساس می کردم که گویی گوینده بدون واسطه با من سخن می گوید.

در ترک های موسیقی کلاسیک، صف نوازنده ها با پرسپکتیوی مثال زدنی روپریم نشسته اند و بی آزار برایم می نوازند. بازتولید صدای سازها همانی است که نوازنده آرزویش را دارد.

کنترل صدا در هر حجی کاملاً در دستان لیندمن بوده و شما را در فضای موسیقی مطمئن غوطه ور می سازد.

حال با اطمینان می توانم بگویم که تمام تیم لیندمن برای ساخت یک دستگاه تلاش کرده اند؛ دستگاهی برای همه کار، دستگاهی برای عاشقان موسیقی که از عهده هزینه های دنیای های اند بر نمی آمدند و اکنون زمان آن رسیده که به آرزوهای خود دست یابند.

